

## آشنائی با روش تحقیق آقای ناصر پورپیرار

این یادداشت، معطوف است به توضیحات و پاسخ‌هایی که خود آقای پورپیرار، چندین و چند بار به انحصای مختلف، در صفحات اصلی یا قسمت کامنت‌های پایگاه معظم «حق و صبر»، پیرامون اسلوب پیشبرد مباحث در تأملات تاریخی‌شان مرقوم فرموده‌اند؛ آنجا که به عنوان نمونه، سؤال شخصی به نام آقای «مهرداد»، در چند و چون همین روش تحقیق مورد بحث، و پاسخ آقای پورپیرار به ایشانرا در قسمت کامنت‌های پایگاه معظم «حق و صبر» می‌خوانیم:

«با سلام. در کتاب‌های "تأملی در بنیان تاریخ ایران"، هیچگاه سخنی از نبودن شخصی به نام فردوسی نکرده‌اید. تنها با دلائلی که از اشعار خود فردوسی بیرون آورده‌اید؛ سخنان او را تلقینات دیگران، و فردوسی را مزدبگیری گفته‌اید که به طمع پول شعر گفته است. اگر این مطلب را قبول نمائیم؛ چگونه مطلب دیگران را باید قبول کرد که اصلاً شخصی به نام فردوسی وجود نداشته و شاهنامه در زمان صفویه و یا کمی قبل از [آن] بوجود آمده است؟ اگر چنین است؛ دیگر چرا باید فردوسی قلابی در اشعارش سخنانی بگوید که راز مزدبگیری [او] را معلوم نماید؟ آیا نظرتان از زمان تألیف آن کتاب تغییر کرده (که به نظر من برای محقق، تغییر نظر اشکالی ندارد) و یا به دلائلی در آن کتاب‌ها به این نظر اشاره نکرده‌اید؟»

(مهرداد، دوشنبه ۲۷ آذر ۱۳۸۵، ساعت ۳۰:۱۴، ذیل مقاله آشنائی با ادله و اسناد رخداد پلید پوریم، مدخلی بر ایران‌شناسی بی‌دروغ و بی‌نقاب، ۱۶)

«آقای مهرداد؛ با وجود توضیحات متعدد، بار دیگر اسلوب این بررسی‌ها را روشن می‌کنم که بر دو پایه قرار دارد:

➤ بررسی نقادانه هر مدخل، بر اساس فرض‌های موجود

➤ بررسی ماهوی و نهائی هر مدخل، بر اساس برداشت‌های جدید

آنچه به نظر شما تناقض آمده؛ حاصل ناتوانی و یا ناآشنائی در تفکیک این دو مبحث است. در این باب، تنها مدخل اشکانیان را در هر دو حوزه بسته‌ام و مابقی مدخل‌های دیگر هنوز گشوده است. یعنی هنوز کسی نمی‌داند که در باب هخامنشیان و تخت جمشید و ابنیه و دولت و مظاهر ساسانی و فرهنگ اسلامی و قدرت‌های سیاسی پیش از صفویه و خود صفویه و گل‌نشته بابل کورش و مسائل بسیار دیگر، نظر نهائی چه خواهد بود و از آنجا که تمام مدخل‌های موجود در باب تاریخ و فرهنگ ایران و اسلام و شرق میانه در دوران پیش و پس از اسلام، بسیار کلان، و دریافت آن مافوق ادراک گروه‌های بسیاری است؛ پس ناگزیر بر هر یک مقدمه‌های روشن‌گر و آماده و آگاه‌ساز مفصلی می‌گذارم تا هضم نظر نهائی آسان‌تر شود. این مقدمات، بیشتر بر اثبات وسعت حوزه جعل در تلقین و القاء داده‌های موجود است که موجب وحشت و عصبانیت محافل مخصوص وابسته به اورشلیم شده است.»

(ناصر پورپیرار، دوشنبه ۲۷ آذر ۱۳۸۵، ساعت ۴۲:۲۰، ذیل مقاله آشنائی با ادله و اسناد رخداد پلید پوریم، مدخلی بر ایران‌شناسی بی‌دروغ و بی‌نقاب، ۱۶)